

نزهة المجالس و علاءالدین فریبرز شروانشاه

سید علی میرافضلی

| ۷۱ - ۸۸ |

۷۱

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

چکیده: مجموعه رباعیات نزهة المجالس که به همت جمال خلیل شروانی در نیمه اول قرن هفتم در منطقه شروان گرد آمده، دربردارنده حدود چهار رباعی کهن فارسی است. این رباعی نامه گرانقدر، طبق آنچه در قصیده آخر نسخه خطی دیده می شود، برای مجلس خاص علاءالدین شروانشاه فراهم شده است. اغلب محققان، این شروانشاه را علاءالدین فریبرز فرزند گرشاسب نامیده اند؛ ولی برخی دیگر، او را علاءالدین فرامرز فرزند گشتاسب معرفی کرده اند. در مقاله حاضر، به تعیین هویت مهدی الیه کتاب بر اساس سکه های به دست آمده از دوران حکومت حاکم شروان در نیمه اول قرن هفتم پرداخته ایم. طبق این اسناد، آن کسی که در فاصله ۶۲۲ تا ۶۵۲ قمری حاکم شروان بوده، علاءالدین ابوالمظفر فریبرز بن گرشاسب بن فرخزاد نام داشته است. در سکه هایی که به نام او ضرب شده، نام سه تن از خلفای بنی عباس، یعنی الناصر لدین الله (۵۷۵-۶۲۲ ق)، المستنصر بالله (۶۲۳-۶۴۰ ق) و المستعصم بالله (۶۴۰-۶۵۶ ق) دیده می شود. طبق این اسناد، فرامرز و گشتاسب، دگرگشته فریبرز و گرشاسب محسوب می شود و چنین افرادی در سلسله شروانشاهان وجود خارجی نداشته اند. به احتمال زیاد، نزهة المجالس بعد از ۶۳۲ قمری به علاءالدین فریبرز اهدا شده است.

کلیدواژه ها: نزهة المجالس، شروانشاهان، علاءالدین فریبرز، جمال خلیل شروانی.

Nuzhat al-Majālis and 'Alā' al-Dīn Fariburz Shīrwānshāh
Sayyed Ali Mirafzali

Abstract: The collection of quatrains *Nuzhat al-Majālis*, compiled by Jamāl Khalīl Shīrwānī in the first half of the seventh century AH in the region of Shīrwān, contains approximately four hundred early Persian quatrains. According to what is recorded in the final *qaṣīda* of the manuscript, this precious anthology of quatrains was prepared for a special gathering of 'Alā' al-Dīn Shīrwānshāh. Most researchers have identified this Shīrwānshāh as Alā' al-Dīn Fariburz, son of Garshāsp; however, some have introduced him as Alā' al-Dīn Farāmarz, son of Gushtāsp. In this article, the identity of the dedicatee is clarified based on coins discovered from the period of Shīrwān rule in the first half of the seventh century AH. According to these documents, the ruler of Shīrwān from 622 to 652 AH was named Alā' al-Dīn Abū al-Muzaffar Fariburz b. Garshāsp b. Farrukhzād. On coins struck in his name, the names of three Abbasid caliphs—al-Nāṣir li-Dīn Allāh (575–622 AH), al-Mustaʿīn bi-llāh (623–640 AH), and al-Mustaʾīm bi-llāh (640–656 AH)—are inscribed. These records show that "Farāmarz" and "Gushtāsp" are corruptions of "Fariburz" and "Garshāsp," and that no such individuals actually existed in the Shīrwānshāh lineage. It is most likely that *Nuzhat al-Majālis* was presented to Alā' al-Dīn Fariburz sometime after 632 AH.

Keywords: *Nuzhat al-Majālis*, Shīrwānshāhs, Alā' al-Dīn Fariburz, Jamāl Khalīl Shīrwānī.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نزهة المجالس، مجموعه‌ای از حدود چهارهزار رباعی کهن فارسی است که جمال‌الدین خلیل شروانی آن را در نیمه اول قرن هفتم هجری قمری برای مجلس خاص علاءالدین شروانشاه ساخته است. وی در انتهای کتاب، در رباعی زیر او را مدح کرده است:

این صاحب افسر و نگین دیرزیاد وین سایه حق شاه زمین دیرزیاد
آن کس که گذشت، خاک بر او خوش باد شاه شروان علاء دین دیرزیاد^۱

باز در دنباله آن، قصیده‌ای «در مدح خدایگان عالم خاقان اکبر اکرم شروانشاه معظم خلدالله سلطانه گوید و ذکر سفینه کند» (همانجا). این قصیده، مشتمل بر ۲۹ بیت است و در آنجا، هم از خود نام می‌برد، هم از ممدوح و هم از کتاب. ما چند بیت مرتبط با سخن خود را می‌آوریم:

«خلیل» دلشده یارب گرفتار فراق با اگر چندان که بتواند ز وصل تو جدا باشد
چو گفتم حسب حال خود، کنم مدح شهنشاهی که جز مدح و ثنای او سخن گفتن خطا باشد
شه شروان علاءالدین [فر]بیز گزین کو را اگر جمشید هم خوانی ورافریدون، سزا باشد
ز بهر مجلس خاصت نبشتم این سفینه، زآنک به بزم خرمت که مگر بیادی ز ما باشد

تنها نسخه خطی کامل کتاب را کاتبی به نام اسماعیل بن اسفندیار ابهری به سال ۷۳۱ ق کتابت کرده و این نسخه، اکنون متعلق به کتابخانه جلالیه استانبول است. نام مؤلف کتاب، در هیچ کجای نسخه به صراحت ذکر نشده است؛ تنها در همین قصیده است که نام او آشکار است.

نخستین بار هلموت ریتز، خاورشناس آلمانی بود که در ایام حضور خود در ترکیه، نزهة المجالس را شناسایی و معرفی کرد^۲ و بعد از آن، به واسطه نقل تعداد زیادی از رباعیات ختیم در کتاب، نام نزهة المجالس در جهان ختیم‌پژوهی پُرآوازه شد. فریتز مایر، شاگرد ریتز، در تدوین کتاب مهستی زیبا (ویسبادن، ۱۹۶۳ م) از نزهة المجالس بهره بسیار بُرد. وی نیز به شناسایی مؤلف کتاب نایل نیامد و زمان حیات مهدی البیه (علاءالدین شروانشاه) و تاریخ تألیف کتاب را نتوانست پیدا کند. بناچار، کاتب کتاب اسماعیل ابهری را مؤلف کتاب معرفی کرد و سال کتابت نسخه را به عنوان سال تألیف آن در نظر گرفت.^۳ نویسندگان بعدی نیز بر همین منوال سخن گفتند.

۱. نزهة المجالس، ۶۱۳.

۲. فیلولوجیا (شماره هفت)، ۱۰۰. ریتز، به این نسخه ذیل معرفی نسخه‌های آثار عراقی در پانویس صفحه اشاره کرده است. چرا که دستنویس نزهة المجالس با دیوان عراقی در یک مجلد است و در دنباله آن آمده است.

۳. مهستی زیبا، ۱۱۷ (منبع هفتم).

ابهری کاتب نزهة المجالس، هنگام نقل قصیده خلیل شروانی، در بیت چهاردهم که در بردارنده نام ممدوح است، کلمه «فریبرز» را ناقص نقل کرده، بدین صورت که «فر» را از قلم انداخته و نقطه های حروف بعدی را نیز نگذاشته است. شاید همین عامل باعث شده که ریترو مایر و احمد آتش و دیگران، موفق به شناسایی علاءالدین فریبرز شروانشاه نشوند و او را از شروانشاهیان قرن هشتم تلقی کنند.

در سال ۱۳۳۵ شمسی، سعید نفیسی با بررسی دقیق تصویر دستنویس نزهة المجالس، متوجه نام مؤلف و دوران تألیف آن شد: «این مجموعه را بر حسب موضوع جمال الدین خلیل شروانی که شاعر بوده و از اشعار خود نیز در آن آورده است، برای شروانشاه علاءالدین فریبرز (۶۲۲-۶۴۹) از پادشاهان اواخر قرن هفتم تدوین کرده» است.^۱ نفیسی توضیحی در مورد علاءالدین فریبرز نداده و معلوم نکرده که تاریخ پادشاهی او را از کدام منبع برآورده است.

در سال ۱۳۵۱ محمدتقی دانش‌پژوه در مجله راهنمای کتاب معرفی نسبتاً کاملی از نزهة المجالس عرضه داشت. وی متن قصیده خلیل شروانی و فهرست ابواب و نمایه شاعران مجموعه را برآورد. دانش‌پژوه در مورد مؤلف و مهدی‌الیه نوشته است: «در پایان این کتاب پس از یک رباعی از جمال شروانی که در آن از علاء دین شاه شروان یاد شده است، قصیده‌ای است در ستایش همو و در آن آمده که من این سفینه را برای مجلس خاص او نیشتم. پس باید گردآورنده آن همین جمال الدین شروانی باشد که نامش خلیل است و در این قصیده هم از تخلص خلیل یاد می‌کند. او آن را برای علاءالدین فریبرز پسر گرشاسب خاقان شروان (۶۲۲-۶۴۹) ساخته است. پس تاریخ تدوین آن باید نزدیک به صد سالی پیش از تاریخ تحریر آن که ۷۳۱ است، باشد».^۲

دکتر محمدامین ریاحی متن نزهة المجالس را بر اساس تنها نسخه کامل آن و مطابقت با دواوین شعرا در سال ۱۳۶۶ در تهران منتشر کرد. دکتر ریاحی، در مورد شروانشاه نکته تازه‌ای نیافته و به تکرار گفتار نفیسی و دانش‌پژوه بسنده کرده است: «این علاءالدین شروانشاه، فریبرز سوم پسر

۱. لباب الالباب، ۷۵۸ (تعلیقات). «از پادشاهان اواخر قرن هفتم» سهو نفیسی است و با توجه به تاریخ حکومت علاءالدین فریبرز، ظاهراً منظور نفیسی اواسط قرن هفتم بوده است. نفیسی در اثر دیگری از خود نیز همین اطلاعات مختصر را در مورد مؤلف و علاءالدین فریبرز عرضه داشته است (رک. تاریخ نظم و نثر در ایران، ۱۷۶).

۲. «نزهة المجالس جمال خلیل شروانی»، ۵۶۹. دانش‌پژوه در دنباله، می‌افزاید: از جمال الدین خلیل شروانی گویا در تذکرها نامی نیست، ولی در مونس الاحرار جاجرمی (ص ۱۰۶۰) غزلی از او هست با همین تخلص. جاجرمی او را «مولانا خلیل الشروانی» معرفی کرده است.

گرشاسب است که از سال ۶۲۲ (گویا تا سال ۶۴۹) پادشاهی می‌کرده و بنابراین، تاریخ تدوین کتاب باید در آن سال‌ها باشد.^۱

کسی که نظر متفاوتی در مورد مُهدی‌الیه نزهة المجالس ابراز داشته، محسن فرزانه است. وی که در یکی از آثار اولیه خود (۱۳۵۳)، به پیروی از نفیسی و دانش‌پژوه، شاه شروان را در زمان تألیف نزهة المجالس علاءالدین فریبرز دانسته بود^۲، در اثر بعدی (۱۳۵۶)، با اشاره به افتادگی نسخه در نقل نام شروانشاه، و با استناد به فهرستی که عباس اقبال برای شروانشاهان ترتیب داده است، وی را علاءالدین فرامرز بن گشتاسب نامید.^۳

نسل سوم شروانشاهان و علاءالدین فریبرز

شروانشاهان بهرامی، نسلی از حاکمان منطقه شروان و شماخی و دربند بودند که از قرن پنجم هجری به بعد تا چهار نسل تحت لوای شاهان ایران بر این منطقه حکومت می‌کردند. ایشان، نام‌های ایرانی داشتند و نسب خود را به بهرام چوبین سردار ساسانی می‌رساندند. بهرام چوبین بر مناطق شمالی قلمرو ایران از جمله ارمنستان و آذربایجان تسلط داشت. اطلاعات ما از نسل سوم شروانشاهان که همزمان با دوران بی‌ثباتی ایران در اواخر عصر خوارزمشاهیان و حمله مغول به ایران بر شروان حکومت می‌راندند (نیمه اول قرن هفتم هجری)، بسیار محدود و حتی مخدوش است. نزهة المجالس جمال خلیل شروانی در همین دوران تألیف و به شروانشاه پیشکش شده است.

همان‌طور که مینورسکی گفته، منابع مکتوب درباره نسل سوم شروانشاهان که مربوط به دوره مورد بحث ماست، دچار سردرگمی هستند و تعیین افراد و تاریخ حکمرانی آن‌ها همراه با تخمین و تقریب است.^۴ مینورسکی بر اساس تحقیقات سکه‌شناسی دکتر پاخوموف، گاهنامه‌های گرجی، تحقیقات سودمند دکتر هادی حسن درباره ممدوحین فلکی شروانی و شروانشاهان و مقاله «شروان» به قلم بارتولد، فهرستی از ۱۷ شاه شروان طی سال‌های ۴۶۷ تا ۷۸۴ ق ارائه کرده

۱. نزهة المجالس ۴۷ (مقدمه مصحح)

۲. ختام شناخت، ۱۵۴

۳. نقد و بررسی رباعی‌های عمر ختام، ۱۲۴-۱۲۶. فرزانه مدعی است که «فریبرز» وزن شعر را مختل می‌کند. در حالی که دو کلمه فرامرز و فریبرز از لحاظ کمیت و کیفیت هجاها با هم هیچ فرقی ندارند.

۴. رک. تاریخ شروان و دربند، ۲۵۶-۲۵۸

است. نفر یازدهم این فهرست، فریبرز سوم فرزند گرشاسب است که از ۶۲۲ به حکومت رسید و دوران حکومت او بین ۶۴۱ تا ۶۵۳ به پایان آمد. وی همان علاءالدین شروانشاه است که خلیل شروانی نزهة المجالس را به او تقدیم کرده است.

عباس اقبال در شماره نهم مجله یادگار که به سال ۱۳۲۶ منتشر شد، در بخش «ما و خوانندگان» در پاسخ به سؤال یکی از خوانندگان نشریه، فهرستی مجمل از چهار سلسله شروانشاهان را بر اساس نوشته‌های ایران شناسانی همچون دورن، بارتولد، مینورسکی و یوستی تنظیم کرده که شماره نهم آن «علاءالدین فرامرز بن گشتاسب» است و گوید به سال ۶۵۸ به فرمان هلاکو کشته شده است.^۱ با اینکه اقبال مأخذ فهرست خود را نوشته‌های ایران شناسان دانسته، در این فقره معلوم نیست که این نام را از کجا برگرفته است. در فهرست اقبال، اسمی از علاءالدین فریبرز بن گرشاسب دیده نمی‌شود.

مینوی در تعلیقات خود بر کتاب سیرت جلال‌الدین، به ناهمخوانی میان ردیف ۱۱ فهرست مینورسکی (یعنی همان فریبرز فرزند گرشاسب) و مندرجات مجمع‌الآداب ابن فوطی اشاره کرده است.^۲ گفتنی است در اصل عربی کتاب نسوی، فصلی است با عنوان «ذکر قدوم شروانشاه افریدون بن فریبرز» که در ترجمه فارسی نیست. مضمون این فصل کوتاه آن است که جلال‌الدین خوارزمشاه در سال ۶۲۲ پس از مسجّل شدن حکومت شروانشاه افریدون پسر فریبرز بر سرزمین اران، از وی خراج سالانه‌ای به مبلغ پنجاه هزار دینار طلبید و این خراجی بود که از زمان ملکشاه پسر الب ارسلان به میزان صد هزار دینار بر این اقلیم مقرر شده بود. شروانشاه در ادای این مبلغ عذر آورد و تعلل ورزید. بهانه او، پریشانی بلاد اران و از دست دادن اغلب ملک از جمله شکی و قبله، و استیلای گرجیان بر آن نواحی بود. هنگامی که خوارزمشاه به اران سفر کرد، شروانشاه افریدون بن فریبرز به دستبوس سلطان شتافت و ۵۰۰ رأس اسب ترکی نژاد به سلطان و ۵۰ رأس اسب به وزیرش شرف‌الملک پیشکش وی کرد. سلطان، خواسته شروانشاه را برآورد و بیست هزار دینار از گردن وی برداشت و توقیعی در حق او صادر کرد و نسوی را فرمود که در هر دو مورد فرمانی نویسد. نسوی - مؤلف کتاب - گوید که شروانشاه بدو بابت کتابت توقیع هزار دینار بخشید.^۳ این گفتار، نه با فهرست اقبال سازگاری دارد و نه با فهرست مینورسکی. زامباور در

۱. «شروانشاهان»، عباس اقبال، ۷۵.

۲. سیرت جلال‌الدین منکبرنی، ۴۰۶.

۳. سیرة السلطان جلال‌الدین منکبرنی، ۲۸۹-۲۹۰؛ سیرة جلال‌الدین یا تاریخ جلالی، ترجمه ناصح، ۱۵۴؛ سیرت جلال‌الدین منکبرنی، ۱۹۳، پانویس ۲ (توضیحات مینوی).

جدول انساب خاقانیان (اصحاب شروان)، نام افریدون و فرزندش جلال الدین فریبز را آورده، لیکن آن‌ها را جزو حکمرانان این خاندان قلمداد نکرده است.^۱

طبق پژوهش‌های سکه‌شناسی و منابع تاریخی دیگر، جلال الدین فریبز بن افریدون بن منوچهر تا سال ۶۰۰ ق بر شروان حکومت کرده و بعد از این تاریخ، پسر عمویش شروانشاه گرشاسب فرزند فرخزاد بر سر کار بوده است. در ۶۲۲ ق فریبز سوم فرزند گرشاسب بر پدر شورید و او را از حکومت برداشت. روایت نسوی با هیچ کدام از این اطلاعات همخوانی ندارد. از آنجا که نسوی در این ماجرا حضور داشته، دو احتمال قابل طرح است: یا تاریخ ۶۲۲ ق به عللی نادرست است و یا در ذکر نام شروانشاه خطایی صورت گرفته است. اگر بپذیریم که نسوی کاتب فرمان سلطان بوده، قاعدتاً از القاب و عناوین شروانشاه اطلاع کافی داشته است. همین امر، دشواری تدوین فهرست شروانشاهان را به خوبی نشان می‌دهد.

گزارش دیگری که شاید سرمنشأ اختلاف در نام علاءالدین شروانشاه باشد، برخاسته از شرح حالی است که ابن فوطی شیبانی نویسنده نامدار عرب (د. ۷۲۳ ق) به شرح زیر نوشته است: «علاءالدین فرامرز بن گشتاسب الشروانی ملک شروان، من البيت العریق فی المملكة، ولهم نسب متصل ببهرام جوبین ولهم منذ تملکوا ببلاد شروان و شماخی ماینیف علی الفی سنة و هم من اولاد بهرام جوبین الذی کان قائد عساكر الأكاسرة. و علاءالدین المذكور هو والد الملک أخستان ملک شروان الذی قتله السلطان الأعظم هولاکو سنة ثمان و خمسين و ستمائة».^۲ از گفتار ابن فوطی بر می‌آید که نام علاءالدین ملک شروان، فرامرز است و پدرش گشتاسب نام داشته و اخستان فرزند اوست که به امر هولاکو در ۶۵۸ به قتل رسید.

۱. نسب نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام، ۳۰۵. کویومجیان (تاریخ جنوب شرقی قفقاز و آذربایجان بر اساس سکه‌های اسلامی، ۲۱۵) با توجه به تشبیه منابع تاریخی و ناهمخوانی نام‌ها با یافته‌های سکه‌شناسی، این ایده بنیادوف را معقول یافته که سرزمین قفقاز در حدود ۶۲۲ ق، همزمان توسط چند تن از شروانشاهان اداره می‌شده است: رشید در منطقه دربند، جلال الدین سلطان‌شاه در گشتاسفی، شاهنشاه یا گرشاسب یا پسرش فریبز سوم در شماخی (فریبز دوم فرزند افریدون را نیز می‌توان افزود)، فرخزاد یا پسرش گرشاسب در باکو، و افریدون بن فریبز در شکی و قبله (غرب این منطقه). پذیرفتن این ترکیب فرضی، محتاج اسناد بیشتری است. کویومجیان اذعان دارد که برای رشید یا جلال الدین سلطان‌شاه هیچ سکه‌ای پیدا نشده است. دلیل آن، این می‌تواند باشد که رشید دست نشاندۀ شروانشاهان در شهر دربند بوده و حکومت مستقلی نداشته است و اینکه ابن اثیر او را شروانشاه رشید نامیده (الکامل فی التاريخ، ۴۳۰: ۱۰؛ ذیل وقایع ۶۱۹ ق)، می‌تواند ناشی از سهو یا سهل انگاری او باشد. رشید پس از تصرف قلعه دربند به دست قفقاق‌ها، به شروان پناه بُرد (همانجا، ۴۳۱). اسم این فرد هیچ همخوانی با نام شروانشاهان ندارد که جملگی اسامی ایرانی داشتند.

۲. مجمع الآداب، ۲: ۳۴۰-۳۴۱.

تاریخ ۶۵۸ که ابن فوطی برای قتل اخستان فرزند علاءالدین ذکر کرده، در فهرست اقبال به خود علاءالدین نسبت یافته است. خواهیم دید که برداشت اقبال یا منبع مورد استفاده او در این مورد درست نیست. در فهرست اقبال، نام اخستان از قلم افتاده و به جای او، نام پسرش فرخزاد که بعد از اخستان به حکومت رسید، دیده می‌شود. قاضی احمد قزوینی در تاریخ خود (تألیف در ۹۷۲ق) همین اشتباه را تکرار کرده و فرخزاد را فرزند فرامرز و فرامرز را فرزند گشتاسب دانسته و ملوک گشتاسبی را بدو منسوب داشته است.^۱ وی از اخستان نامی نبرده است.

نکته اختلاف‌انگیزی که در گزارش ابن فوطی دیده می‌شود، هم نام فرامرز است و هم نام گشتاسب. در حالی که در فهرست مینورسکی هیچ کدام از این دو نام دیده نمی‌شود. از فهرست مینورسکی استنباط می‌شود که نام «فریبرز» بین شروانشاهان پسندیده بوده و پیش از علاءالدین فریبرز، دو فریبرز دیگر نیز در شروان حکومت کرده‌اند.

یافته‌های سکه‌شناسی

خوشبختانه از دوران مورد مطالعه ما سکه‌های متعددی پیدا شده است که پژوهشگران تاریخ قفقاز و دربند از جمله پاخوموف و کویومجیان آن‌ها را نقل و بررسی کرده‌اند. با توجه به آشفتگی و اختلاف شدید متون تاریخی در ذکر نام شروانشاهان، گواهی سکه‌های ضرب شده در اواخر قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم، تا حدود زیادی روشن‌گر نام و نشان واقعی این سلسله تاریخی می‌باشد. این سکه‌ها مربوط به چند نسل از شاهان شروان است:

- جلال‌الدین فریبرز بن افریدون بن منوچهر (۵۸۳-۶۰۰ق)^۲
- گرشاسب بن فرخزاد بن منوچهر (۶۰۰-۶۲۱ق)^۳
- علاءالدین ابوالمظفر فریبرز بن گرشاسب بن فرخزاد بن منوچهر (۶۲۲-۶۵۲ق)^۴
- اخستان بن فریبرز (۶۵۳-۶۵۸ق)^۵

۱. تاریخ جهان آرا، ۱۹۳. مینورسکی به استفاده منجم باشی از تاریخ جهان‌آرای قزوینی اشاره کرده است (رک. تاریخ شروان و دربند، ۲۵۶).

۲. تاریخ جنوب شرقی قفقاز و آذربایجان بر اساس سکه‌های اسلامی، دیکران کویومجیان، ۱۹۰-۱۹۴.

۳. همانجا، ۱۹۶-۲۰۷.

۴. همانجا، ۲۱۶-۲۲۸.

۵. همانجا، ۲۲۸-۲۳۵.

تا کنون سکه‌ای به اسم شروانشاهان دیگر مثل شروانشاه رشید، جلال الدین سلطانشاه و علاء الدین فرامرز که نامشان فقط در متون تاریخی دیده می‌شود، یافت نشده است.

موضوع پایان‌نامه دکترای دیکران کویومجیان محقق مطالعات ارمنی در دانشگاه کلمبیا (۱۹۶۹م)، تاریخ قفقاز در دوران اسلامی براساس یافته‌های سکه‌شناسی بوده است. بخشی از این تحقیق به شروانشاهان اختصاص دارد. تحقیقات او نشان می‌دهد که در دوره مورد نظر ما (نیمه اول قرن هفتم هجری قمری)، به نام علاء الدین ابوالمظفر فریبز بن گرشاسب بن فرخزاد سکه‌هایی ضرب شده است. این سکه‌ها اگرچه فاقد تاریخند، لیکن درج نام سه تن از خلفای بنی عباس یعنی الناصر لدین الله، المستنصر بالله و المستعصم بالله بر این سکه‌ها، دوره حکومت علاء الدین فریبز را معین می‌کند. طبق بررسی کویومجیان، در یکی از سکه‌ها (شماره ۳۲ آ) نام «الملك المعظم فریبز بن گرشاسب بن فرخزاد بن منوچهر» و خلیفه «الناصر لدین الله امیرالمؤمنین» با هم آمده است. ضرب این سکه قاعدتاً باید در آخر دوران زمامداری الناصر لدین الله (۵۷۵-۶۲۲ق) صورت گرفته باشد؛ این زمانی است که گرشاسب جای خود را به فرزندش فریبز داده بوده است.^۱

۷۹

آینه پژوهش | ۲۱۲
سال ۳۶ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۴

ابن اثیر، در گزارش وقایع سال ۶۲۲ هجری قمری، می‌گوید که در این سال، فرزند شروانشاه بر پدرش شورید و او را از حکومت خلع کرد و از شروان بیرون راند و به جای او بر تخت نشست. و علت آن، بیدادی بود که او بر رعایا می‌کرد. شروانشاه به شاه گرجستان پناه بُرد و کوشید با کمک سپاه وی، تاج و تخت خود را از فرزندش بازپس گیرد، لیکن ناکام ماند و هزیمت یافت.^۲ ابن اثیر نام پدر و پسر را ذکر نکرده و به لفظ شروانشاه بسنده کرده است. از آنجا که این سال، مقارن با آخرین سال حیات الناصر خلیفه عباسی است و نام او بر سکه علاء الدین فریبز شروانشاه وجود دارد، داستان مذکور مربوط به فریبز و پدرش گرشاسب است.^۳ نسوی نیز مسجل شدن حکمرانی شروانشاه را بر اران در سال ۶۲۲ق دانسته است؛ گو اینکه در روایت او، همان‌گونه که پیشتر آوردیم، نام این دو شروانشاه متفاوت است.

در یک سکه متعلق به فریبز شروانشاه (شماره ۳۳ آ) نام خلیفه المستنصر بالله (۶۲۳-۶۴۰ق) دیده می‌شود. کویومجیان حدس می‌زند که چند سکه دیگر نیز (شماره ۳۴ آ تا ۳۶)، مرتبط با این

۱. همانجا، ۲۱۶-۲۱۷. نویسنده توضیحاتی هم در مورد این سکه داده که جلوتر به آن خواهیم پرداخت.

۲. الکامل فی التاریخ، ۱۰: ۴۴۶.

۳. به نوشته کویومجیان، پاخوموف نیز بازیگران روایت ابن اثیر را گرشاسب و پسرش فریبز سوم می‌داند، اما پ. ژوسه این نقش را برای فرخزاد و فرزندش گرشاسب قائل بوده است (رک. تاریخ جنوب شرقی قفقاز و آذربایجان بر اساس سکه‌های اسلامی، ۱۹۵-۱۹۶).

خلیفه باشد. در تعدادی از سکه‌ها (شماره ۳۷ تا ۴۳) درج نام خلیفه المستعصم به همراه نام فریبرز بن گرشاسب، زمان ضرب این سکه‌ها را به سال‌های ۶۴۰ تا ۶۵۶ ق محدود می‌کند.^۱ از نظر کویومجیان، در تعلق این سکه‌ها به شروانشاه و خلیفه عباسی قطعیت بیشتری وجود دارد تا دیگر سکه‌ها. وی به نقل از دورن می‌آورد که در روستای خانکگ کتیبه‌ای با تاریخ ۶۴۱ ق کشف شده است که در آن نام فریبرز بن گرشاسب بن فرخزاد بن منوچهر دیده می‌شود.^۲ بنابراین، شروانشاه فریبرز قطعاً تا این تاریخ حاکم شروان و شماخی بوده است.

سکه‌هایی نیز به نام اخستان بن فریبرز وجود دارد که در ایام خلافت المستعصم ضرب شده است و در یکی از آن‌ها (شماره ۴۵ ث)، علاوه بر نام خلیفه المستعصم، نام منکوقآن (د. ۶۵۸ ق) ایلخان مغول نیز دیده می‌شود. تاریخ ضرب این سکه ۶۵۳ ق است.^۳ تاریخ سکه دلالت بر آن دارد که علاءالدین فریبرز در این تاریخ بر مسند حکومت شروان نبوده و پسرش اخستان بر جای او حکومت می‌رانده است.

سکه‌های موجود، ثابت می‌کند که ابن فوطی در ذکر نام علاءالدین فریبرز و پدرش گرشاسب دچار خطا شده و احتمالاً به دلیل بعد مسافت و عدم دسترسی به منابع دست اول، به مسموعات تکیه کرده و فریبرز را فرامرز به ثبت رسانده است و گرشاسب را گشتاسب. بنابراین، در میان شروانشاهان، شاهی به نام علاءالدین فرامرز وجود ندارد و ممدوح خلیل شروانی کسی نیست جز علاءالدین ابوالمظفر فریبرز شروان شاه که در زمان خلافت مستعصم و احتمالاً خلفای پیش از او مستنصر و ناصر لدین الله بر شروان و دربند و شماخی حکومت می‌رانده است.

علاءالدین فریبرز حدود سه دهه بر شروان حکمرانی کرد. وی همچون اجداد خود دوستدار شعر فارسی بود. تعداد زیاد رباعی سرایان منطقه شروان و اران که نامشان در کتاب نزهة المجالس خلیل شروانی وجود دارد، از رونق ادب فارسی در این منطقه و حمایت شاهان و صاحب‌منصبان از پارسی سرایان خبر می‌دهد. مؤلف نزهة المجالس در شروان به دیوان اغلب شاعران فارسی دسترسی داشته و از منابعی بهره برده که امروزه در اختیار ما نیست.

تألیف و تقدیم کتاب شروانی بین سال‌های ۶۲۲ تا ۶۵۲ که ایام احتمالی حکومت علاءالدین فریبرز شروانشاه است، صورت گرفته است. تاریخ پایان حکمرانی فریبرز نامشخص است. اما با

۸۰

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

۱. همانجا، ۲۲۲-۲۲۶

۲. همانجا، ۲۲۶-۲۲۷

۳. همانجا، ۲۳۰

توجه به سکه‌های به جا مانده، می‌دانیم که وی در دوران خلافت مستعصم (۶۴۰-۶۵۶ق) حاکم شروان بوده است. سکه‌ای که به نام فرزندش اخستان در ۶۵۳ق ضرب شده، مسلم می‌دارد که حکومت علاءالدین فریبز، پیش از این سال، به پایان آمده است.

یک قرینه دیگر وجود دارد که چندان مورد توجه محققان قرار نگرفته است. جمال خلیل شروانی مؤلف نزهة المجالس در رباعی که برای علاءالدین شروانشاه سروده، آورده است:

آن‌کس که گذشت، خاک بر او خوش باد شاه شروان علاء دین دیر زیاده^۱

این بیت نشان می‌دهد که نزهة المجالس در زمانی به علاءالدین فریبز پیشکش شده که شروانشاه پیشین به فاصله اندکی قبل از آن درگذشته بوده است. در غیر این صورت، ذکر یاد او، نه اهمیت داشته است و نه ضرورت. حتی جای این حدس وجود دارد که نزهة المجالس را جمال خلیل شروانی به عنوان هدیه‌ای خاص برای تثبیت حکومت علاءالدین شروانشاه تقدیم او کرده باشد. اگر به گفتار ابن اثیر اعتماد کنیم، علاءالدین فریبز حکومت را در سال ۶۲۲ق از چنگ پدرش گرشاسب به در آورده و تلاش گرشاسب برای بازپس‌گیری تخت از دست رفته، به جایی نرسیده است. سکه‌های موجود نیز بر این تاریخ گواهی می‌دهند. ما هیچ سند تاریخی از مرگ گرشاسب در دست نداریم. ممکن است وی در جنگ قدرت با پسرش به قتل رسیده باشد و ممکن است چند سال بعد از آن نیز زندگی کرده باشد. با توجه به کتیبه‌هایی که از کف خلیج باکو بیرون آورده‌اند و پاخوموف آن‌ها را گزارش کرده، کویومجیان این احتمال را مطرح کرده که گرشاسب تا ۶۳۲ق همچنان بر بخش کوچکی از ممالک تحت حکومت شروانشاهان (باکو) حاکم بوده و پسرش فریبز بخش اصلی این سرزمین را اداره می‌کرد و با اذن خلیفه به نام خود سکه می‌زده است.^۲ اگر این حدس پذیرفته آید، باید گفت که تألیف نزهة المجالس بعد از ۶۳۲ق صورت گرفته است.

رباعی صاحب سعید شمس‌الدین و مسئله تألیف نزهة المجالس

در اینکه خلیل شروانی مؤلف نزهة المجالس، قصیده پایانی کتاب را به نام علاءالدین فریبز سروده، تردیدی نیست. با اینکه «فر» در نام فریبز از قلم کاتب ساقط شده، دیگر اجزای باقی مانده نام فریبز و شواهد موجود از سکه‌های آن دوران، گواه این است که ما با کسی جز او سرو

۱. نزهة المجالس، ۶۱۳.

۲. تاریخ جنوب شرقی قفقاز و آذربایجان بر اساس سکه‌های اسلامی، ۲۱۵-۲۱۷.

کار نداریم. دیدیم که حدس فرزانه در اینکه نام علاء الدین، فرامرز بوده، با اسناد سکه شناسی همساز نیست و به احتمال زیاد، ابن فوطی در تاریخ خود نام این شروانشاه را اشتباهاً فرامرز ثبت کرده و اشتباه او، در منابع بعدی تکرار شده است. با این حال، حضور چند شاعر در نزهة المجالس و رباعیاتی که متعلق به نیمه دوم قرن هفتم و سال‌های بعد از حکومت علاء الدین فریبرز است، تردیدهایی در مورد زمان تألیف کتاب ایجاد کرده است.

از جمله این افراد، «صاحب سعید شمس الدین» است که رباعی شماره ۱۲۷۰ نزهة المجالس به نام اوست:

از بند سر زلف تو ای حورنژاد خود را به هزار حیلہ کردم آزاد
از چاه زنخدان تو غافل بودم از بند برون آمد و در چاه افتاد!

مشهورترین فردی که بدین لقب مشهور است، خواجه شمس الدین صاحب دیوان جوینی است که به سال ۶۸۳ ق به قتل آمده است. کلمه «سعید» اشاره به درگذشت او دارد. به نوشته محمد امین ریاحی، «تعبیر صاحب سعید اگر اصلی و از مؤلف باشد می‌رساند تاریخ تألیف کتاب بعد از ۶۸۳ بوده، وگرنه یا کلمه سعید افزوده کاتب است و کتاب در حیات شمس الدین تألیف شده، و یا کل رباعی و عنوانش الحاقی است».^۱ و باز در جای دیگر مقدمه می‌نویسد: «کاربرد این صفت برای وزیر مقتول باید چند سالی پس از قتل او باشد که جو حاکم بر ضد او فروکش کرده، و مظلومیت او و ناحق بودن قتل او در سراسر ایران از جمله در ازان و ابهر دل‌ها را به درد آورده باشد. به این دلیل من این تعبیر را افزوده کاتب و سال‌ها پس از تاریخ تألیف می‌دانم». دکتر ریاحی این حدس و احتمال را نیز ممکن می‌داند که «مؤلف بعدها در کتاب خود دست برده، و رباعی‌هایی بر آن افزوده و نیز نام شمس الدین را به این صورت گردانیده است».^۲

آقای عماد الدین شیخ الحکمایی در گفتاری مستند مشخص کرده که جد پدری جوینی‌ها یعنی شمس الدین محمد که از ملازمان سلطان محمد خوارزمشاه بود، در برخی اسناد کهن «صاحب سعید خواجه شمس الدین» نامیده شده است. بنابراین، آنکه نامش در نزهة المجالس آمده، جد شمس الدین محمد صاحب دیوان می‌تواند بود که با او همانام بوده و به سال ۶۲۶ ق در محاصره شهر اخلاط از دنیا رفته است.^۳ اگر انتساب رباعی مذکور را به شمس الدین محمد اول

۱. نزهة المجالس، ۷۸-۷۹ (مقدمه)

۲. همانجا، ۴۷ (مقدمه)

۳. «در باره تاریخ تألیف نزهة المجالس»، ۱۳-۱۵

(جدّ جوینی‌ها) مسلّم بینداریم، که مانعی نیز بر سر راه پذیرش آن وجود ندارد، تاریخ تألیف نزهةالمجالس قطعاً بعد از ۶۲۶ق خواهد بود. اما به احتمال زیاد با درگذشت «صاحب سعید» فاصله زیادی نداشته است.

غیر از شمس‌الدین جوینی، شاعران دیگری هم در کتاب حضور دارند که در نیمه دوم قرن هفتم از دنیا رفته‌اند. دکتر ریاحی، «نام و سال مرگ بازپسین کسانی را که شعرشان در کتاب آمده»، استخراج کرده است: سلیمان شاه ایوه‌ای (مقتول ۶۵۶)، فخر مراغه‌ای (زنده در ۶۵۶)، اثیر اومانی (متوفی ۶۵۶ یا ۶۶۵)، رفیع بکرانی ابهری (متوفی ۶۷۲)، قطب عتیقی (متوفی ۶۷۹ یا ۶۷۵)، فخر مستوفی (مقتول ۶۸۹). اما از شاعران معروف نیمه دوم قرن هفتم مثل سعدی، مولانا، عراقی، مجد همگر، امامی و پوربهاء جامی رباعی با ذکر نام در کتاب نیامده است. از این قراین، دکتر ریاحی چنین نتیجه می‌گیرد که «نخستین تألیف کتاب در اواخر پادشاهی فریبرز شروانشاه و نزدیک به نیمه‌های قرن هفتم بوده، و اشعار بازپسین شاعران در سال‌های زندگی آن‌ها در کتاب درج شده و یا شاید مؤلف بعدها رباعی‌های آن‌ها را در کتاب خود گنجانده است».^۱ این مسئله را باید در گفتاری جداگانه بررسی کنیم.

نتیجه‌گیری

از شواهدی که در این گفتار کوتاه ارائه کردیم، می‌توان چنین نتیجه گرفت که جمال خلیل شروانی نزهةالمجالس را در دهه دوم حکومت سی‌ساله علاءالدین فریبرز (از ۶۲۲ تا ۶۵۲ق)، برای مجلس خاص شروانشاه فراهم کرده و به وی تقدیم داشته است. علاءالدین فریبرز به احتمال زیاد در سال ۶۲۲ق به جای پدرش گرشاسب حکومت منطقه شروان را در دست گرفته و از سکه‌های ضرب شده در دوران حکومت او و پسرش اخستان چنین استنباط می‌شود که وی قبل از ۶۵۳ق حکومت را به اخستان واگذار کرده است. با توجه به کتیبه پیدا شده در روستای خانکگ، چنین مسجّل می‌شود که شروانشاه فریبرز تا ۶۴۱ق در مقام خود باقی بوده است.

کتیبه‌ای که از خلیج باکو به دست آمده، بر چنین حدسی دامن می‌زند که گرشاسب پدر فریبرز تا ۶۳۲ق در قید حیات بوده و بر بخش‌هایی از سرزمین شروان (مثلاً باکو) حکومت می‌رانده، اما حکومت اصلی با پسرش فریبرز بوده است. با این حساب، رباعی که مؤلف نزهةالمجالس در مدح علاءالدین فریبرز شروانشاه سروده و در آن از شروانشاه قبلی با دعای مُردگان یاد کرده، بعد از

۱. نزهةالمجالس، ۴۷-۴۸ (مقدمه)

۶۳۲ق سروده شده و بالطبع تألیف یا اتحاف نزهة المجالس بعد از ۶۳۲ اتفاق افتاده است. مؤید این حدس، درج رباعی «صاحب سعید شمس الدین» در نزهة المجالس است که طبق تحقیق صورت گرفته، می‌تواند سروده جد جوینی‌ها یعنی شمس الدین محمد درگذشته ۶۲۶ق باشد.

بعضی منابع تاریخی، علاء الدین شروانشاه را فرامرز فرزند گشتاسب نامیده‌اند و تاریخ مرگ او را ۶۵۷ق نوشته‌اند. طبق اسنادی که بر شمرديم، چنین نامی وجود تاریخی ندارد و ناشی از خطای ابن فوطی است. تاریخ مذکور نیز به مرگ اخستان بن علاء الدین مربوط است نه خود علاء الدین. ضمن اینکه شکل نوشتاری نام شروانشاه در دستنویس نزهة المجالس، با همه نقصانش، به هیچ وجه از کلمه «فرامرز» حمایت نمی‌کند، و «فریبرز» بودن آن قطعی‌تر است.

فهرست منابع

- تاریخ جنوب شرقی قفقاز و آذربایجان بر اساس سکه‌های اسلامی ضرب شده در قرن پنجم تا هفتم هجری، دیکران کارنیک کویومجیان، دانشگاه کلمبیا، ۱۹۶۹م (رک. منابع لاتین)
- تاریخ جهان آرا، قاضی احمد غفاری قزوینی، تهران، کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۳
- تاریخ شروان و دربند، ولادیمیر مینورسکی، ترجمه محسن خادم، تهران، بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵
- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی (تا پایان قرن دهم هجری)، سعید نفیسی، تهران، انتشارات فروغی، چاپ دوم: ۱۳۶۳، ج ۲
- خیام شناخت، محسن فرزانه، تهران، ۱۳۵۳
- «درباره تاریخ تألیف نزهة المجالس جمال الدین خلیل شروانی و نمونه خط شمس الدین جوینی اول»، عمادالدین شیخ الحکمایی، گزارش میراث، دوره سوم، سال سوم، شماره سوم و چهارم: پاییز- زمستان ۱۳۹۷ (انتشار پاییز ۱۳۹۹)، ۱۳-۱۵
- «دو سکه قفقازی خاص با مهرهای قالبی ترکیبی (قرن هفتم هجری)»، آکوپیان و گنچاروف، مجله شرق شناسی، ۲۰۱۹م، ۲۸۸-۲۸۹ (رک. منابع لاتین)
- سیرت جلال الدین منکبرتی، شهاب الدین محمد خرنذری زیدری نسوی، ترجمه فارسی تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم: ۱۳۸۴
- سيرة السلطان جلال الدین منکبرتی، لمحمدبن احمد النسوی، نشر و تحقیق حافظ احمد حمدی، مصر، دارالفکر العربی، ۱۹۵۳م (تاریخ مقدمه)
- سيرة جلال الدین یا تاریخ جلالی، نورالدین محمد زیدری نسوی، ترجمه محمدعلی ناصح، تهران، انتشارات سعدی، چاپ دوم: ۱۳۶۶
- «شروانشاهان»، عباس اقبال، مجله یادگار، سال سوم، شماره نهم، اردیبهشت ۱۳۲۶، ۷۳-۷۶
- «فیلولوجیا (شماره هفت)»، هلموت ریتز، مجله اسلام (چاپ آلمان)، شماره ۲۱، ۱۹۳۳م، ۸۶-۱۰۹ (رک. منابع لاتین)
- الکامل فی التاریخ، ابی الحسن علی بن محمد الشیبانی المعروف بابن الاثیر الجری، راجعه و صححه الدكتور محمد یوسف الدقاقه، بیروت، دارالکتب العلمیه، المجلد العاشر، ۱۴۲۴ق
- لباب الالباب، محمد عوفی، به کوشش سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی علمی، ۱۳۳۵
- مجمع الآداب فی معجم الالقاب، کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق ابن احمد المعروف بابن فوطی الشیبانی، تحقیق محمد الکاظم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۴۱۵ق، ۱۳۷۴ش، ج ۶
- مہستی زیبا، تألیف فریتز مایر، ویسبادن، ۱۹۶۳م (رک. منابع لاتین)
- نزهة المجالس، جمال خلیل شروانی، به تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶

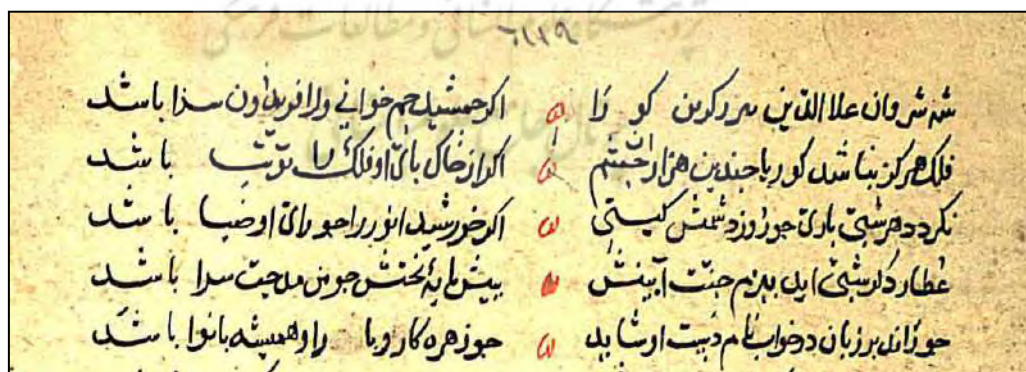
- _____. دستنویس شماره ۱۶۶۷ کتابخانه جلاله استانبول، کتابت اسماعیل بن اسفندیار بن محمد بن اسفندیار ابهری، پنجشنبه ۲۵ شوال سنه ۷۳۱ ق، برگ ۴۱-۱۲۰ ر
- «نزهة المجالس جمال الدین خلیل شروانی»، محمدتقی دانش پژه، راهنمای کتاب، جلد پانزدهم، شماره پنجم و ششم: مهر - آذر ۱۳۵۱، ۵۸۲-۵۶۹
- نسب نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام، ادوارد ریتز فون زامباور، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران، نشر سنگلج، ۱۴۰۲
- نقد و بررسی رباعی های عمر خیتام، محسن فرزانه، تهران، کتابخانه فروردین، ۱۳۵۶
- Akopyan, A. V., Goncharov, E. Yu., "Two unique coins with multiple die stamps from Caucasus (13th century)", *Orientalistica*. 2019, 2 (2): 288-298
- Kouymjian, Dickran, *A NUMISMATIC HISTORY OF SOUTHEASTERN CAUCASIA AND ADHARBAYJAN BASED ON THE ISLAMIC COINAGE OF THE. 5TH/11TH TO THE 7TH/13TH CENTURIES*, Colombia University, 1969
- Meier, Fritz, *DIE SCHÖNE MAHASTI*, Wiesbaden, 1963
- Ritter, Hellmut, "Philologica VII" , *Der Islam*, 21 (1933), p.86-109



تصویر یکم. سکه مسی متعلق به شروانشاه فریبز (منبع: مقاله «دو سکه قفقازی خاص»، ۲۹۴)

روی سکه: لا اله الا الله / محمد رسول الله / المستنصر بالله / امیرالمؤمنین

پشت سکه: الملك المعظم / علاالدین و الدین / فیبرز بن کرشاسب / ناصر امیرالمؤمنین



تصویر دوم. دستنویس نزهة المجالس، کتابخانه جاراالله، برگ ۱۱۹ پ (نحوه کتابت نام فریبز در بیت نخست)



تصویر سوم. دستنویس نزهة المجالس، کتابخانه جاراالله، برگ ۱۱۹ (رباعی و قصیده جمال شروانی در مدح شروانشاه)

۸۸

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴